



فشار برای برکناری مشاور خاور میانه بایدن

طبق آنچه یک قانونگذار دموکرات و یک دستیار ارشد در کنگره ایالات متحده می گویند، دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا در حال رایزنی جهت ارسال نامه‌ای به جو بایدن و طرح در خواست استعفای «برت مک‌گورک» مشاور رئیس جمهور آمریکا در امور «خاور میانه» به دلیل ضعف مدیریتی او در بحران غزه هستند. این تلاش به رهبری دموکرات‌هایی که مک‌گورک را به عنوان «شخص غیر مفیدی» در سیاست‌های «خاور میانه» می‌دانند، در حال انجام است. به گفته آن‌ها، سیاست‌های مک‌گورک بحران غزه را وخیم‌تر کرده است. آنها هم‌چنین قصد دارند این مسئله را در قالب نامه‌ای به جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا منتقل کنند و خواستار استعفای برت مک‌گورک شوند. به گفته منتقدان، مک‌گورک به اشتباه «سیاست خاور میانه‌ای» بایدن را بر تعمیق روابط ایالات متحده با عربستان سعودی متمرکز کرده و همچنین در برابر درخواست‌های واشنگتن، از جمله در مورد نزدیک شدن به روسیه و چین تا جلوگیری از افزایش قیمت نفت، مقاومت کرده است.



در دریای سرخ دنبال جنگ نیستیم

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مدعی شد که این بلوک قصد تشدید درگیری با ارتش یمن را ندارد. جوزپ بورل گفت اتحادیه اروپا در حال تدارک برای اعزام یک گروه از قوای دریایی به دریای سرخ است اما «تنها ماموریتش حفاظت از کشتی‌رانی است.» او بیان کرد: «ما باید هر کار ممکن را برای تضمین آزادی دریانوردی انجام دهیم اما هم‌زمان از تشدید تنش اجتناب کنیم.» قرار است وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه این هفته نشست‌ی را در شهر بروکسل با هدف بحث درباره ناوگروه اعزامی این بلوک به دریای سرخ داشته باشند. بیش از یک هفته پیش قوای دریایی آمریکا و بریتانیا در دریای سرخ حملات خود را به اهدافی در یمن شروع کردند. بورل همچنین بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل را متهم کرد که شخصاً هرگونه تلاش برای حل و فصل نزاع چنددهه‌ای با فلسطینی‌ها را به انحراف کشانده است.



مقایسه نتانیاهو با هیتلر

رئیس جمهور ترکیه با حمله به نتانیاهو بابت حمله و بمباران نوار غزه، بار دیگر او را با هیتلر مقایسه کرده و به او لقب «پیشوا» داد. «پیشوا» عنوانی بود که هیتلر در آلمان نازی به خود داده بود. رجب طیب اردوغان، پیشتر و در دسامبر ۲۰۲۳ نیز زمانی که از واکنش اسرائیل به عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر انتقاد کرد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم را با آدولف هیتلر، رهبر نازی‌ها مقایسه کرده بود. اردوغان کشورهای غربی را هم بابت «سکوت ادامه‌دارشان در مواجهه با کشتار بی‌رحمانه زنان، کودکان و نوزادان در غزه» توسط اسرائیل مورد تقبیح قرار داد و افزود: «کشورهای غربی از اینکه این میزان از بربریت و وحشی‌گری را از سوی پیشوا نتانیاهو و تیمش در غزه می‌بینند، راضی هستند. آنها چشم‌هایشان را به روی این نفرت و خونریزی بسته‌اند.» رئیس جمهور ترکیه در ادامه خاطر نشان کرد، جامعه بین‌الملل پس از آنکه نتوانست جنگ غزه را متوقف کند، فاقد اعتبار شده است.

مسئولیت چیزی را پذیرفته‌باشد؟

من در صحبت‌هایم با نخست‌وزیران سابق، اعضای کنست، روزنامه‌نگاران، افسران نظامی و اطلاعاتی، اهالی کسب‌وکار، خانواده‌های گروگان‌ها و بسیاری دیگر، موافقتی عمومی یافتم بر اینکه از این به بعد ما چرا حتماً چنین پیش خواهد رفت: در شرایطی که جنگ کم‌کم به سطحی پایین‌تر و با جنبش کمتر می‌رسد، هزاران نفر از نیروهای ذخیره که در اعتراضات علیه اصلاحات قضایی فعال بودند حالا دارند در غزه می‌جنگند، به تظاهرات ضد دولتی خواهند پیوست، تاثیر لایپد، نخست‌وزیر سابق به من این طور می‌گوید: «آن‌ها به خانه خواهند رفت، دوش خواهند گرفت و بعد به خیابان خواهند رفت. این‌ها اسرائیلی‌های خوبی هستند که دارند به شکلی تحسین‌برانگیز می‌جنگند، اما به شدت هم از نتانیاهو و این جمع روانی‌هایی که دور خودش جمع کرده، عصبانی‌اند.»

تقریباً همه منابع ام اضافه می‌کنند که گرچه نتانیاهو در خطر سیاسی جدی است و ممکن است تا همین تابستان با رأی عدم اعتماد یا انتخاباتی دوباره مواجه شود، اینکه مطمئن شویم کارش تمام است، به دور از خرد است. ناهوم بارنیا، ستون‌نویس قدیمی «یدیעות آحرانوت»، رسانه اسرائیلی، به من می‌گوید: «من به مجلس ختم سیاستمداران می‌روم تا مطمئن شوم دفن شده‌اند.» او ادامه می‌دهد: «اما بازگشت ممکن است.» به خصوص برای نتانیاهو. مگر او در ایجاد ائتلاف در سیاست اسرائیل بی‌نظیر است و وقتی اصول‌اش را رها کرد تا به امثال بن‌گور و اسموتریج بپیوندد، این مسئله بیشتر هم شد. به علاوه، وقتی حمایت از حماس در کرانه باختری تا این حد بالاست و اسرائیل چنین احساس آسیب‌دیدگی و ناامنی می‌کند، سخت بتوان تصور کرد که رقبای بالقوه نتانیاهو مسئله‌راه‌حل دودولتی را در دست بگیرند.

لحظاتی که در آن‌ها نتانیاهو نسبت به بایدن انزجار نشان می‌دهد، برای دیپلمات‌های آمریکایی آزاردهنده‌اند، اما بازی مطلوب پایگاه رأی او هستند. مارتین ایندیک به من می‌گوید: «میزان در ماندگی نتانیاهو در تمایلیش برای گازگرفتن دستی که غذایی می‌دهد، تجسم یافته است. گزینه محض بقای او این است که نشان دهد می‌تواند در مقابل آمریکا بایستد. او به این مباحثات می‌کند.» آرون دیوید میلر، مذاکره‌کننده و تحلیل‌سابق حوزه خاور میانه در وزارت خارجه است و حالا فلوی ارشد اندیشکده «موقف کارنگی برای صلح بین‌المللی»، او به من می‌گوید: «خودشیفتگی سیاسی که دوران حرفه‌ای او را، به خصوص در دهه اخیر پیش برده است، مبهوت‌کننده است. چالش‌های پیش روی اسرائیل خارق‌العاده‌اند و با این حال، رهبر اسرائیل تک‌تک تصمیمات را با این تبصره حساب می‌کند: از لحاظ دوران حرفه‌ای و آزادماندن من، این تصمیم چه معنایی دارد؟»

یکی از چهره‌های برجسته محافظه‌کار در کنست به من می‌گوید: «به لحاظ سیاسی، بی‌بی‌خودش را به عنوان آقای امنیت قبول‌اند اما این تصویر در ۷ اکتبر نابود شد. حالا او آقای «ایستادن در مقابل آمریکایی که کشور فلسطینی را به تاحمیل خواهد کرد» شده است. بعد از ناکامی بزرگش او حالا نیاز به داستانی جدید دارد. او تلاش خواهد کرد این داستان را بقبولاند ساختار امنیتی شکست خوردنه او؛ و او تنها کسی است که ایده کشور فلسطینی را نابود می‌کند.»

وقتی جنگ آرام‌تر شود، تقریباً قطعی است که بنی‌گانتز و گدی ایزنکات، شورای جنگی نتانیاهو را ترک خواهند کرد و دوباره رقبای سیاسی او خواهند شد. گانتز، گزینه پیشگام جایگزینی نتانیاهو، همین حالا هم با مشاوران مختلف در حال تنظیم نقشه رقابت است. ففر چندین سال پیش گزارش چهره‌ای دربار او در هال‌رتس نوشت: زمانی که گانتز داشت از حرفه نظامی به سیاست می‌آمد، او به من می‌گوید گانتز به‌ندرت درباره مسائل جنجالی، شامل مسئله فلسطینیان، موضع محکمی می‌گیرد و «بومی خالی» است که رأی‌دهندگان می‌توانند امیدها و آرزوهایشان را بر آن تصویر کنند. گانتز «نا-نتانیاهو» است. او مسئول تفرقه در کشور نبوده است. او با وزرای مترجع ائتلاف شکل نداده و به دنبال تضعیف دادگاه عالی نرفته است. او مسئول بزرگترین خطای امنیتی تاریخ اسرائیل نبوده است. اما او علیه نخست‌وزیری که طولانی‌ترین دوره صدارت تاریخ اسرائیل را داشته، چه ادبیاتی اتخاذ خواهد کرد؟ بسیاری از اسرائیلی‌ها با احساسات خشم و ترومایی که دارند، همچنان به همان اندازه صهیونیست‌های متعصب ۵۰ سال پیش به فلسطینیان بدبین هستند. در واقع، معترضان سال گذشته از ترس اینکه اجماع علیه اصلاحات قضایی کمتر شود، از پرداختن به این مسئله اجتناب کردند. وقتی پای موضوع فلسطینیان در میان باشد، گانتز تنها به شکلی مبهم درباره یک «موجودیت» جداگانه یا یک «راه‌حل دو موجودیتی» حرف می‌زند.

هر چه جنگ طولانی‌تر شود، نتانیاهو زمان بیشتری خواهد داشت که پایگاه رأی‌اش را بازسازی کند و رقبای بالقوه را تضعیف. به روایت تحلیلگران نظامی هم، اوضاع جنگ آن قدرها به آن خوبی و سرعت که ارتش امیدوار بود، پیش نمی‌رود. ناهوم بارنیا می‌گوید: «نتانیاهو منفعتی دارد که این مرحله از جنگ هیچ‌وقت تمام نشود.» او می‌گوید «پیش‌نیازهای صلح» که نخست‌وزیر اعلام کرده است، قطعاً حاکی از این نیستند که او به دنبال راه خروجی از این وضعیت است: «حماس باید نابود شود، غزه باید از حالت نظامی خارج شود و جامعه فلسطینی باید از وضعیت رادیکال شده‌اش خارج شود.» اما حماس هم به همان اندازه که با خود بی‌رحمی داشته است، محصول بی‌رحمی بوده است و نخست‌وزیر هم چندان نیازی ندارد که به او گفته شود فاصله بین منافع سیاسی او و واقعیت‌های بزرگ‌تر وجود دارد. او در کتابش در «مرور بحرانی پیشین»، تلاش سختی می‌کند که در این باره به مخاطبانش تعلیم دهد. او می‌نویسد، جنگی تمام‌عیار با حماس، تصویری «پوچ» خواهد بود، بدون پایانی رضایت‌بخش: «هبران حماس از نقاب‌هایشان بیرون خواهند آمد و در میان ویرانه‌ها اعلام پیروزی خواهند کرد.»

ترجمه و تنظیم: روح‌انگیز زها



او و فرزندانش در آن نگهداری می‌شدند، هدف بمباران ارتش اسرائیل بود. او شرح می‌دهد چقدر برایش سخت بوده برای فرزندانش توضیح دهد که «این ارتش خودشان است، ارتشی که بنا بوده از آن‌ها در خانه‌شان حفاظت کند اما رهایشان کرد و حالا در حالی که در غزه هستند، بمباران‌شان می‌کند. تمام هم نمی‌شد. هر روزی که می‌گذشت به خود می‌گفتی نمی‌شود این واقعیت داشته باشد. جور در نمی‌آید. آن‌ها می‌دانند من اینجا هستم. می‌دانند فرزندانش من اینجا هستند. این مهم‌ترین سرمایه اسرائیل است: بچه‌های ما... و بعد وقتی که برگشته بودم، وقتی به عقب نگاه کردم، دیدم که ما مهم‌ترین اولویت دولت اسرائیل نبودیم.»

ساده‌لوحانه است که بخوایم جسد یزینم سنوار، کسی که تصور می‌شود بر نام‌های اصلی «طوفان الاقصی» بوده است، با تمام جزئیات تصور می‌کرده که بعد از حمله‌اش چه خواهد شد: اما غیر منطقی نیست که استنباط کنیم او امیدوار بوده است که جرقه آتش قیامی تمام‌عیار در منطقه را علیه اسرائیل بزند. با این حال، در سلسله‌مراتب قدرت در اسرائیل هم هستند کسانی که این جنگ را می‌خواهند و این فقط شامل بن‌گور و اسموتریج هم نمی‌شود.

اواخر ۱۹۷۳، شیمون آگران، قاضی ارشد دادگاه عالی اسرائیل، رئیس تحقیقاتی شد درباره دلایل اینکه ساختار امنیتی و دولت اسرائیل به رهبری نخست‌وزیر گلدا مایر، در مقابل حملات مصر و سوریه در نبردی که در اسرائیل به عنوان جنگ یوم کیپور شناخته شد، چنان نالمانده از کار درآمدند. یافته‌های کمیسیون آگران‌ات چنان سنگین بودند که چندین مقام ارشد استعفا دادند. کمیسیون شخص مایر را از مسئولیت این فاجعه میرا دانست اما مایر اعلام کرد: «ورای توان من است که با این بار بر دوشم، ادامه دهم» و از نخست‌وزیری استعفا داد و کرسی خود را هم در کنست رها کرد. نتانیاهو در کتابش به‌راحتی با انزجار از مایر و موشه دایان وزیر دفاع‌اش یاد می‌کند می‌گوید، در واکنش نشان دادن به هشدارهای یک نیروی مصری مוסاد درباره حمله‌ای قریب‌الوقوع ناکام بوده‌اند و باید بهتر متوجه می‌بودند اما حالا چیزی شبیه کمیسیون آگران‌ات انتظار نتانیاهو را می‌کشد. او انکار می‌کند که هیچ زمانی اطلاعات کاملی درباره احتمال حمله‌ای بزرگ از سوی حماس به او داده شده باشد و تقریباً قطعی است که تقصیر فاجعه را به فرماندهان نظامی و اطلاعاتی‌اش خواهد انداخت: اما این سیاست او بوده که اجازه تأمین بودجه حماس را بدهد و کتاب او هم مشخص می‌کند که او سابقه سنوار و ظرفیت‌های شاخه نظامی حماس را می‌دانسته است.

رهبران ارتش و نیروهای اطلاعات، علناً مسئولیت ناکامی‌های منجر به ۱۷ اکتبر را پذیرفته‌اند. نتانیاهو فقط گفته است، سوالات مربوط به مسئولیت نه‌پای‌تررسی خواهند شد. آنتشل ففر، گزارشگر هال‌رتس است و نویسنده یک بیوگرافی درباره نتانیاهو در سال ۲۰۱۸. او به من می‌گوید، نخست‌وزیر همیشه در پذیرش اعتبار موفقیت‌ها سرعت دارد اما درباره مسئولیت‌ها نه: «اگر فردا شین‌یت، بفهمد سنوار در کدام سوراخ است و «سایریت متکل» [یگان تکاوران ارتش اسرائیل] سر او را بر نیزه بگذارد و گروگان‌ها آزاد شوند، بی‌بی‌انجا خواهد بود که اعتبار موفقیت را به نام خودش بزند.» نیس راس، دیپلمات کهنه‌کار ایالات متحده در خاور میانه با این نظر موافق است و به من می‌گوید: «او از سال ۲۰۰۹، به جز یک سال، نخست‌وزیر بوده است. یادتان می‌آید هیچ‌وقت

بود. افسران واحد ۸۲۰۰، گروهی اطلاعاتی در ارتش، به افسران ارتش، اطلاعاتی هشداردهنده و با جزئیات درباره رزمایش‌های حماس درون غزه داده بودند که در آن این حمله تمرین شده بود. طبق گزارش‌های رسانه‌های اسرائیلی، این اطلاعات را افسران ارشد به این عنوان که «خیالی» هستند، پس زده بودند.

هم در مارس و هم در ژوئیه ۲۰۲۳، سرتیپ آمیت ساعار، رئیس بخش تحقیقات در بخش اطلاعات ارتش، خطاب به نخست‌وزیر نامه نوشت و هشدار داد که حماس، حزب‌الله و ایران متوجه‌اند اسرائیل «درگیر بحرانی ملت‌به بی سابقه است که انسجام‌اش را تهدید می‌کند» و فرصتی دیده‌اند که «طوفانی کامل ایجاد کنند.» به نوشته روزنامه اسرائیلی هال‌رتس، ساعار چنین نتیجه گرفته بود که دشمن آشوب و آسیب‌پذیری اسرائیل را به عنوان «برآورده شدن عملی جهان‌بینی اساسی‌اش دیده که اسرائیل، پدیده‌ای خار‌جی است که در منطقه کاشته شده است؛ جامعه‌ای ضعیف و متفرق که در نهایت ناپدید خواهد شد.» سنوار هم نداشت از چندان مخفی نمی‌کرد. او در سخنرانی‌ای در دسامبر ۲۰۲۲ گفت: «ان‌شاء‌الله با سبیلی خروشان به سراغ‌تان خواهیم آمد. با راکت‌هایی تمام‌نشدنی به سراغ‌تان خواهیم آمد. با سبیلی بی‌پایان از سربازان به سراغ‌تان خواهیم آمد. با میلیون‌ها نفر از مردمان‌مان به سراغ‌تان خواهیم آمد. مثل موجی که مدام برمی‌گردد.» اما توجه نتانیاهو به جای دیگر بود.

در سال ۲۰۰۶، یک سرباز اسرائیلی به نام گیلعاد شلیت، توسط نیروهای حماس که با تونل وارد کیبوتس کرم شلوم شده بود، اسیر شد. نخست‌وزیر وقت، ایهود اولمرت، حاضر به پذیرش خواسته حماس نشد. سه‌سال بعد، نتانیاهو نخست‌وزیر شد و دو سال بعدش، توافقی مبهوت‌کننده کرد و بیش از هزار زندانی فلسطینی را با شلیت معاوضه کرد که یحیی سنوار هم بین‌شان بود. نتانیاهو آن زمان با انتقاداتی هم مواجه شد که این کار او تصمیمی سیاسی دانستند و اولمرت گفت این کار او «ضعف نشان دادن است.» اما مسئله این بود که اسرائیل حاضر شد بالاترین هزینه را برای آزادی فقط یک سرباز، پرداخت کند. اوپچای پرودوچ، مردی اسرائیلی است که همسر و فرزندانش در میان گروگان‌های اسرائیلی بودند و در تبادل بازگشتند. او می‌گوید: «می‌دانید، وقتی مردم در خیابان بودند، هیچ‌وقت نمی‌فهمیدم به چه اعتراض می‌کنند.» او می‌گوید زندگی خوبی با خانواده‌اش داشته است و دلیل اعتراض معترضان را نمی‌فهمیده است. حالا آنچه او را به بهت و وحشت و ناراحتی می‌اندازد، فقدان مسئولیت‌پذیری در دولت نتانیاهو است: «هیچ‌کس تقصیر این اتفاق را نمی‌پذیرد، باید یکی از دولت می‌آمد و می‌گفت «این تقصیر ما بود.» به خصوص درباره گروگان‌ها. «این تقصیر ما بود و ما هر کاری بتوانیم می‌کنیم تا آن‌ها را به خانه برگردانیم.» اما این را نمی‌گویند. اگر این گروگان‌ها کشته نشوند، کشور حق ندارد همین‌طور دنبال زندگی خودش برود. اسرائیل بعد از هولوکاست بنا شد و یک مأموریت داشت: «دیگر هیچ‌وقت نه.» این اتفاق در خاک اسرائیل افتاد و تنها برای یهودیان هم اتفاق نیفتاد، برای مسلمانان، عرب‌ها و تایلندی‌ها هم رخ داد. اگر برای آوردن آن‌ها به خانه نیاز به آتش‌بس است، خوب پله باشد. اسرائیل باید فقط به یک چیز فکر کند: گروگان‌ها را برگرداند. اما دوران گیلعاد شلیت گذشته است. هاگار پرودوچ، همسر اوپچای که گروگان حماس بود، در مصاحبه‌ای با کانال ۱۲ اسرائیل، توصیف می‌کند که چطور ساختار کناری ساختمان‌های